

وقایع کفر دَوّار و حمایت از قیمت مواد غذایی : مصر*

مترجم : شریف مطوف

بنابه گفته مالک ابن نبی اندیشمند الجزایری ، جهان به دو محور اصلی تقسیم می شود : یکی محور واشنگتن - مسکو و دیگری محور طنجه - جاگارتا . در محور اول ، سطح زندگی بالاست و زیربنای اقتصادی قوی است در حالی که در محور دوم ، بجز چند نمونه استثنایی ، سطح زندگی ، در زیر خط " شاخص " فقر است . کشورهای اخیر زیربنای اقتصادی قوی ندارند و به دو اردوگاه شرق و غرب وابستگی کاملی دارند .

مالک ابن نبی اضافه می کند که فرایند توسعه بر ۳ عامل اساسی انسان ، زمین و زمان ، استوار است . منظور از زمین ، مجموعه ای از مواد خام و امکانات کشاورزی و معدنی خدادادی است که کشورهای محور دوم از بابت داشتن این گونه مواد غنی هستند ، در حالی که عامل زمان در مورد هر دو محور یکسان است . بنابراین تنها متغیری که باقی می ماند ، عامل انسان است . در این مورد بررسی به ذهن می رسد که چرا تواناییها و استعداد های انسان در محور اول شکوفا می شود در حالی که در محور دوم چنین رخدادی را شاهد نیستیم ؟

در این زمینه ، مثال روشنی در مورد اندونزی داریم که این کشور از نظر امکانات طبیعی خدادادی بر کشور آمریکا (= ایالات متحد آمریکا) پیشی می گیرد ، ولی گرفتار بحران اقتصادی شدیدی است . پاسخ پرسش مزبور را به این شکل می توانیم بدهیم که در کشورهای محور اول ، انسان شرایط مساعد روانی برای کار می یابد ، در حالی که در کشورهای محور دوم این فرصتها را به دست نمی آورد .

اندیشمند الجزایری یاد شده چنین ادامه می دهد که ۳ عامل مزبور برای اینکه ثمربخش واقع شوند ، نیاز به محرک دارند که این محرک در انسان غربی وجود دارد . این عامل در باور انسان غربی

* محمد مورو . " مصر : احداث کفر الدوّار و دعم اسعار المواد الغذائية . " العالم ۳۸۰ صفر ۱۴۰۵ ، ص ۳۱-۳۲ .

به نقش رهبری جهان توسط غرب تبلور می‌یابد. این اندیشمند سپس به این نتیجه می‌رسد که در کشورهای محور دوم این جرقه یا محرک چیزی جز اسلام نیست و هر عامل مرامی (= ایدئولوژیک) دیگر در ایجاد این محرک یا شکست مواجه می‌شود. چرا که ساخت روانی انسان در محور اخیر، از فرهنگ اصلی سرچشمه می‌گیرد که پایه و اساس آن اسلام است.

○ بحران، ناشی از وابستگی به غرب است

استاد منیر شفیق در تحلیل خود در مورد بحران عقب ماندگی و فقر در جهان اسلام چنین می‌نویسد:

"هنگامی که ارتشهای انقلابگر غربی به جهان اسلام تجاوز نمودند و آن را اشغال کردند، جامعه‌های اسلامی، نظام اقتصادی تکاملی داشتند که در خلال صدها سال، اصول، روشها و موازنه آن پایه‌ریزی شده بود. اقتصاد کشورهای اسلامی، احکام و قوانین کاملی در مورد مالکیت، ارث، خرید، فروش، توسعه و بهره‌برداری و مانند آنها را داشته است.

برخی از ویژگیهای این اقتصاد عبارت است از: اعتماد به نفس، خودبستگی (= خودکفایی)، همکاری اجتماعی، آمادگی برای توسعه و رسیدن به شکوفایی اقتصادی. در این احوال بود که غربیها به بران کردن تمام پایه‌های اقتصاد موجود کمر بستند؛ اقتصادی که به رغم عقیده خائنان و ناآگاهان، عقب مانده نبود اما می‌بایست پایه‌های خودبستگی اقتصادی آن ویران می‌شد و به وابستگی می‌غلتید. در آن هنگام، مالکیتهای عمومی که به شکل مالکیت افراد بر یکروستا یا به شکلهای جمعی و یا مالکیت مشاع متبلور بود، با اجراء قوانین سنت، به مالکیت اقطاعی درآمد. از طرف دیگر صنایع محلی نیز که بر بازار محلی متکی بود یا ورود کالاهای غربی، همراه با تغییر دادن سلیقه‌ها و خواست مردم، به تباهی کشیده شد؛ و بدین ترتیب صنایع نساجی محلی و کشاورزی نابود گردید و حمله بر لباس سنتی محلی آغاز شد و با هجوم بر شیوه‌های سنتی کشاورزی که نیازهای محلی را برآورده می‌ساخت، برای گسترش شیوه کشت تک محصولی در خدمت صنایع و بازارهای خارجی، ادامه یافت. به عنوان مثال می‌توان از زراعت پنبه در مصر و انگور در الجزایر که با این روش نابود شده‌اند، یاد کرد. در پی این کار، افکار غرب گرایانه به تحقیر اقتصاد سنتی و تولید محلی پرداخت و آنها را عقب مانده و مرتجع نامید تا بتواند آن را با این شعار که اقتصاد باید همیشه نو و روآمد شود تا صنایع پیشرفته پدید آید، زیر ضربه قرار دهد. استفاده از ماشین آلات کشاورزی به جای خیش و نیروی کار انسانی، به طور بیسابقه‌ای ترویج شد. از میان طرفداران این نظریه، می‌توان از نظریه‌پردازان مارکسیست نام برد. اینان رهایی کسورها از باورهای عقب مانده قبیله‌ای در روستاها و پیشه‌وران و دارندگان صنایع کوچک در شهرها و ورود آنان به مرحله سرمایه‌داری پیشرفته را، در گرو استفاده از تکنولوژیهای نو می‌دانند. این امر به خاطر به وجود آمدن روابط تولید سرمایه‌داری پیشرفته باید صورت گیرد تا طبقه پرولتاریا در این کشورها تشکیل شود تا به وقوع انقلاب سوسیالیستی - به دنبال انقلاب ملی بورژوازی - بینجامد.

بدین ترتیب کلیه مکتبهای غربی دست به دست هم داده‌اند تا اقتصاد سنتی را نابود سازند و آن را به عنوان اقتصاد کور یا با نام "اقتصاد عقب ماندگی و انحطاط" تحقیر کنند و هر آنچه از غرب وارد می‌شود را تشویق و تحسین نمایند. برای مثال، در نابودی صنایع نساجی سنتی شرکت کردند و بازار آن را از بین بردند. این کار با حمله به لباس سنتی صورت گرفت که علاوه بر نابود کردن صنایع نساجی کشورهای زیر سلطه، به کشاورزی و دامداری نیز، که مواد اولیه مورد نیاز صنایع نساجی را تأمین می‌کرد، آسیب فراوانی رساند. همچنین پیشه‌ها و حرفه‌های گوناگون تضعیف شد و بسیاری از آنها به کلی از بین رفت. همین طور در زمینه ساختمان نیز مصالح ساختمانی بومی به کنار گذاشته شد. علاوه بر این، معماری سنتی به نفع معماری غربی از میدان بیرون رفت تا بدین وسیله نیاز به مصالح ساختمانی وارداتی از غرب روز به روز افزایش یابد. این تدبیر در شیوه زندگی کم کم به وابستگی روز افزون به هر آنچه از خارج وارد می‌شد، انجامید.

○ بحران در تولیدات، یا در منابع طبیعی؟

بحران اقتصادی در مصر، بنا به تحلیل فوق، به عوامل رشدای برمی‌گردد که با شیوه تولید در ارتباط است نه با کمبود منابع که این خود داستانی تاریخی دارد. از دهه ۶۰ که اقدامهای کشورهای عقب نگاهداشته شده برای صنعتی شدن براساس شیوه‌های غربی، نه براساس شیوه‌های محلی و بومی، شروع شده است، این امر به وقوع پیوست.

بنابراین، بحران اقتصادی در مصر ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دارد. در حالی که منابع مصر، هم فراوان و هم گوناگون است و منابع کشاورزی، صنعتی و کانی را شامل می‌شود. افزون بر این، ارز رسانی از طرف مصریهای ساکن در خارج از کشور و درآمد کانال سوئز و مانند آنها را نیز باید در نظر داشت. با این همه، دولت مصر در حال حاضر در حدود ۲۰ میلیارد لیره* (بنا به برآورد بانک جهانی) بدهی دارد.

بدین خاطر، رژیم حاکم بر مصر، اقدام به لغو سوبسید مواد غذایی نمود تا موازنه‌ای در میزان مبادله‌های بازرگانی حاصل شود. ناگفته نماند، مبلغ سوبسید مواد غذایی در مصر در سال ۱۹۸۴، بالغ بر ۱۹۰۰ میلیون دلار بوده است که سهم گندم و آرد در حدود ۴۰٪ آن را تشکیل می‌دهد. پس از اعلام لغو سوبسید از طرف دولت مصر، قیامهای مردمی گسترده‌ای صورت گرفت، بویژه در "کفر دوار" که ما را به یاد قیام ۱۸ و ۱۹ ژانویه سال ۱۹۷۷ انداخت. بر اثر این قیامها بود که مبارک، تصمیم خود مبنی بر افزایش قیمت مواد غذایی را لغو کرد تا آرامش را به کشور بازگرداند.

مدیر کل بازاریابی تعاونی، استاد فوزی احمد نافع می‌گوید:

"مشکل سوبسید، مشکلی پیچیده است که از زاویه نتایج اقتصادی، دارای ابعاد اقتصادی است

* هر لیره مصری برابر با ۰/۶۶۶ دلار است - م.

و از آنجا که این کمکها، به مردم تهیدست بیش از دیگر گروههای اجتماعی مرتبط است، دارای ابعاد اجتماعی نیز هست. بنابراین باید مراحلهایی را پیدا کنیم تا این کمکها، تنها به طبقات تهیدست و فقط در مورد کالاهای اساسی داده شود.

وی، سپس می‌افزاید که دولت، سوسید گندم را به میزان ۲۱۱٪، آرد را به میزان ۷۹٪، عدس را به میزان ۱۶۶٪، برنج را به میزان ۱۰۴٪ و گوشت سرد را به میزان ۶۷۲٪ می‌پردازد.

ولی سمیرا احمد سلخ، دبیر سابق اتحادیه دانشجویان عرب که اکنون عضو حزب "وفد" است می‌گوید:

"بحران اقتصادی که اکنون گریبانگیر مصر است، برنامه‌ریزی جامعی برای صرفه‌جویی را ناگزیر ساخته است. این برنامه نه فقط تهیدستان بلکه همگان را باید شامل شود. زیرا کسری بودجه دولت اکنون به ۵۴۰۰ میلیون لیره مصری (۳۶۰۰ میلیون دلار - م) رسیده است. کشور مصر اکنون در معرض یک فاجعه اقتصادی است که راه‌حلهای کلاسیک دردی از آن را دوا نخواهد کرد. بویژه اینکه نظام اقتصادی ما، سیمای روشنی ندارد."

اما سلیم احمد جندی بازرش اداره امداد می‌گوید که دولت، بازرسان را هنگامی که نظرشان را نسبت به امداد و سوسید می‌خواهد، در موقعیت بدی قرار می‌دهد (= بازرسان در ابزار نظر، آزاد نیستند - م). همچنین وی عقیده دارد که دگرگون ساختن شکل سیاسی و اقتصادی کل نظام، ضروری است تا مصر بتواند از بحران اقتصادی پیچیده، کنونی بیرون آید. وی، همچنین پیشنهاد می‌کند، به عنوان اقدام فوری لازم است کارتهای امداد غذایی (ویژه تهیدستان - م) تصحیح شود و به اصطلاح روز آمد گردد تا امکان دریافت دوباره را به حداقل برساند. همچنین وی خواهان آن است که تعداد استفاده کنندگان از مقررات کالاهای ضروری به طور چشمگیری محدود گردد.

ولی شیخ حافظ سلامه (امام جماعت مسجد امام حسین "ع" در قاهره و یکی از جنگجویان جنگ سوئز سال ۱۹۷۳ - م) و همچنین رئیس انجمن هدایت اسلامی، دلایلهای بحران را چنین توضیح می‌دهد:

"خدای تبارک و تعالی، به انسان بیش از نیازش امکانات عطا فرمود، اما ظلم و سوء استفاده از امکانات خدادادی است که باعث به وجود آمدن مشکلات اقتصادی می‌شود. نگاه کنید به آیه شریفه‌ای که می‌فرماید: "خدای یگناست که آسمانها و زمین را آفرید و از آسمان آب نازل کرد و با آن میوه‌ها را پدید آورد برای روزیتان، و گشتی را به خدمتتان گماشت که به اذن خدا به دریا می‌رود و جویها را به خدمتتان گماشت؛ و نیز خورشید و ماه را به خدمتتان گماشت که پیوسته روان است و شب و روز را به خدمتتان گماشت و هر چه خواستید به شما عطا کرد. اگر بخواهید نعمتهای خدا را بشمارید، شمار آن نتوانید که انسان ستم پیشه است و ناسپاس."*

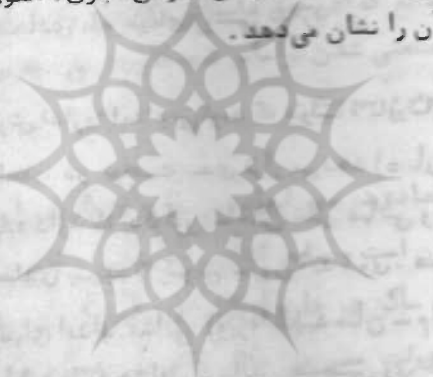
* قرآن کریم. سوره ابراهیم. آیهای ۳۲ - ۳۴.

بنابراین، حل بحران اقتصادی، اجرای عدالت و اقدام و سعی و کوشش می‌طلبد. به عبارت دیگر، حل بحران اقتصادی بدون پیاده کردن نظام اقتصادی اسلام، امکانپذیر نخواهد شد. نظام سرمایه‌داری و نظام سوسیالیستی برای ما مفید نیستند. اقتصاد وابسته به شرق و غرب خود دلیل بحران اقتصادی است. نظام اسلامی، کمال اقتصادی دارد."

شیخ حافظ سپس می‌افزاید که به هر حال نباید سوسید را حذف کرد. برای اینکه به تبه‌دستان جامعه زیان می‌رساند. چگونه می‌توانیم قیمت نان را بالا ببریم؟ کسری بودجه را از منابع دیگری می‌توانیم تأمین کنیم، مانند کاهش هزینه‌های دولت و یا گرفتن مالیات بیشتری از ثروتمندان.

استاد عمر تلسانی (رهبر کنونی حرکت اخوان المسلمین مصر - م. ۰) نیز در مقاله‌هایی که در مطبوعات مصری به چاپ رساند، نوشته است که ریشه بحران اقتصادی جنبه اخلاقی دارد؛ به خاطر اینکه افزایش تولید به معنی ساختن وجدانها و پایبندی اخلاق است و نیز نظم دادن به مصرف به گونه‌ای که معیار اخلاقی وضع خود تا بر طبق آن هموطن مصری، الکوی مصرفی خود را بسازد. ولی متأسفانه وضع موجود عکس آن را نشان می‌دهد.

□



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی
مجله علمی پژوهشی
پیاپی ۳۷ - شماره ۱ - زمستان ۱۳۸۶
صفحه ۶۶